

ترکیب بند

باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین
بی نفخ صور، خاسته تا عرش اعظم است
گویا طلوع می کند از مغرب آفتاب
کاشوب در تمامی ذرات عالم است
گر خوانمش قیامت دنیا، بعید نیست
این رستخیزِ عام که نامش محرم است
دربارگاه قدس که جای ملال نیست
سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است
جن و ملک بر آدمیان نوحه می کنند
گویا عزای اشرف اولاد آدم است
خورشید آسمان و زمین، نور مشرقین
پرورده‌ی کنار رسول خدا، حسین
کاش آن زمان سُرَادِقِ^۱ گردون نگون شدی
وین خرگه بلند ستون، بی ستون شدی
کاش آن زمان در آمدی از کوه تا به کوه
سیل سیه که روی زمین قیرگون شدی

۱ - سُرَادِق : سراپرده، خیمه‌ی بزرگ

کاش آن زمان که پیکر او شد درون خاک
جان جهانیان همه از تن برون شدی
کاش آن زمان که کشتی آل نبی شکست
عالم تمام غرقه‌ی دریای خون شدی
این انتقام اگر نفتادی به روز حشر
با این عمل، معامله‌ی دهر چون شدی

آل نبی چو دست تظلم برآورند
ارکان عرش را به تلاطم درآورند

روزی که شد به نیزه، سر آن بزرگوار
خورشید سر برهنه برآمد ز کوهسار
موجی به جنبش آمد و برخاست کوه کوه
ابری به بارش آمد و بگریست زار زار
عرش آن چنان به لرزه درآمد که چرخ نیز
افتاد در گمان که قیامت شد آشکار
جمعی که پاس محملشان داشت جبرئیل

گشتند بی‌عماری و محمل، شتر سوار

وانگه ز کوفه، خیل آلم رو به شام کرد
نوعی که عقل گفت: قیامت قیام کرد

شعری را که خواندید با ترجیع‌بندهای درس قبل مقایسه کنید؛ چه تفاوتی با هم دارند؟ بیت مصرعی که در میان بخش‌های این شعر آمده، متفاوت و نامکرر است. فرق اساسی این شعر با ترجیع‌بند همین است. درون مایه‌ی بخش‌ها تقریباً همانند ترجیع‌بند است؛ یعنی: مضامینی از قبیل رثا، مدح و عشق را دربردارد.

این شعر از نظر قافیه با ترجیع‌بند فرقی ندارد و مانند آن، از بخش‌های مختلف پدید آمده است. شمار بخش‌ها نامعین و به اختیار شاعر است.

این نوع شعر را **ترکیب بند** گویند. قدیمی‌ترین ترکیب بند از قطران تبریزی، شاعر قرن پنجم ه. ق. است.

جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی، وحشی بافقی و محتشم کاشانی نیز از سرایندگان بنام ترکیب بند به شمار می‌روند. بخش‌هایی از ترکیب بند محتشم کاشانی را در آغاز درس خواندید.

ترکیب بند: شعری است چند بخشی که هر بخش آن از نظر قافیه و درون مایه همانند قصیده یا غزل است. این بخش‌ها را بیت مصرع متفاوت و نامکرری به هم می‌پیوندند. قدیم‌ترین ترکیب بند از قطران تبریزی است. جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی، محتشم کاشانی و وحشی بافقی از سرایندگان مشهور این قالب‌اند.

خودآزمایی

- ۱ - علت نام‌گذاری قطعه را بنویسید.
- ۲ - موضوع‌های رایج قالب قطعه را بیان کنید.
- ۳ - شعر «متاع جوانی» ادبیات سال اول را از دید قالب و موضوع بررسی کنید.
- ۴ - تفاوت قالب ترجیع بند با قالب غزل را توضیح دهید.
- ۵ - قالب ترکیب بند چه تفاوتی با قالب ترجیع بند دارد؟

درس ۵

مَسْمَطٌ

خیزید و خز آرید که هنگام **خزان** است
باد خنک از جانب خوارزم **وزان** است
آن برگ رزان بین که بر آن شاخ **رزان** است
گویی به مَثَل پیرهن رنگ **رزان** است
دهقان به تعجّب سرانگشت **گزان** است
کاندر چمن و باغ، نه گل ماند و نه **گلنار**

* * *

طاووس بهاری را دنبال **بکنند**
پَرش ببریدند و به کنجی **بفکنند**
خسته به میان باغ، به زاریش **پسندند**
با او نه نشینند و نه گویند و نه **خندند**
وین پرنگارینش بر او باز **نبنند**
تا آذر مه بگذرد، آید سپس **آزار**

«منوچهری»

شعری که خواندید، از چند بخش پدید آمده است؟
آیا قافیه‌ی هر دو بخش آن یکی است؟
شمار مصراع‌ها در هر بخش چگونه است؟
به آخرین مصراع هر بخش توجه کنید؛ آیا قافیه‌ی آن‌ها با هم تفاوت دارد؟
شعری که خواندید، از دو بخش پدید آمده است و هر بخش آن قافیه‌ای مستقل دارد.
همه‌ی مصراع‌های یک بخش به جز مصراع آخر هم قافیه‌اند. شمار مصراع‌های هر بخش با

بخش‌های دیگر متساوی است و معمولاً هر بخش سه تا شش مصراع دارد. مصراع آخر تمام بندها هم قافیه است. این گونه شعر را **مُسمَط** می‌نامند.

در مسمَط، هر بخش را یک **رشته** و مصراع آخر را **بند** گویند. بند، حلقه‌ی ارتباط همه‌ی رشته‌ها به یک‌دیگر است. شمار رشته‌های مسمَط نامعین و به اختیار شاعر است. بنیان‌گذار مسمَط «منوچهری دامغانی»، شاعر قرن پنجم است و از زمان او به بعد، این گونه شعر کم و بیش در دوره‌های مختلف مورد توجه شاعران قرار گرفته است. درون مایه‌ی مسمَط غالباً **تغزل و مدح، اشعار سیاسی، ملی و میهنی** است. منوچهری و قآنی شاعران برگزیده در عرصه‌ی مسمَط سرایی‌اند.

رشته‌هایی از یک مسمَط قآنی، شاعر قرن سیزدهم

بنفشه رسته از زمین به طرف جویبارها و یا گسسته حورعین، ز زلف خویش تارها
زسنگ اگر ندیده‌ای چه سان جهد شرارها به برگ‌های لاله بین، میان لاله‌زارها
که چون شراره می‌جهد ز سنگ کوهسارها^۱

* * *

در این بهار هر کسی هوای راغ دارد به یاد باغ طلعتی، هوای باغ دارد
به تیره شب ز جام می، به کف آیاغ^۲ دارد همین دل من است و بس که درد و داغ دارد
جگر چو لاله پرز خون، ز عشق گلعدارها

* * *

مسمَط تضمینی

من ندانستم از اوّل که تو بی‌مهر و وفایی عهد نابستن از آن به که ببندی و نیایی
دوستان عیب‌کنندم که چرا دل به تو دادم باید اوّل به تو گفتن که چنین خوب چرایی
دو بیت‌ای که خواندید، بیت‌های اوّل و دوّم غزلی است که پیش از این با آن آشنا

۱- مصراع‌های این بند تماماً قافیه‌ای یک‌سان دارند و مصراع آخر در بندهای بعدی، قافیه‌ای همانند بند اوّل دارد.

۲- آیاغ: جام و پیاله‌ی شراب

شده‌اید. اینک به مسمطی از استاد شهریار توجه کنید.
 ای که از کلک هنر، نقش دل انگیز خدایی حیف باشد مه من، کاین همه از مهر جدایی
 گفته بودی جگرم خون نکنی باز کجایی «من ندانستم از اول که تویی مهر و وفایی
 عهد نابستن از آن به که ببندی و نیایی»

مدعی طعنه زند در غم عشق تو زیادم وین نداند که من از بهر غم عشق تو زادم
 نغمه‌ی بلبل شیراز نرفته است زیادم «دوستان عیب کنندم که چرا دل به تو دادم
 باید اول به تو گفتن که چنین خوب چرایی»

چنان که می‌بینید، از این مسمط پنج مصراع، دو مصراع آخر هر رشته بیتی از غزل سعدی است. این گونه مسمط را «مسمط تضمینی» گویند. یکی از زیباترین و مشهورترین مسمط‌های تضمینی شعر فارسی، سروده‌ی شیخ بهایی (شاعر قرن دهم ه. ق.) است که بند نخستین آن چنین است:

تا کی به تمنای وصال تو یگانه اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه
 خواهد به سرآید شب هجران تو یانه؟ «ای تیر غمت را دل عشاق نشانه
 جمعی به تو مشغول و تو غایب زمیانه»^۱

مسمط: شعری است که از رشته‌های گوناگون پدید می‌آید. قافیه‌ی رشته‌ها متفاوت است و در هر رشته همه‌ی مصراع‌ها به جز مصراع آخر هم قافیه‌اند. مصراع آخر هر رشته را بند گویند. این مصراع که در تمام رشته‌ها هم قافیه است، حلقه‌ی ارتباط تمام رشته‌هاست. درون مایه‌ی مسمط تقریباً همانند قصیده و بنیان‌گذار آن منوچهری دامغانی است. قآنی، شاعر قرن سیزدهم، نیز مسمط‌های زیبایی سروده است. مسمط تضمینی، مسمطی است که بند آن در هر رشته، به ترتیب مصراع دوم بیت‌های یک غزل است؛ یعنی شاعر بیت‌های یک غزل را به ترتیب در پایان رشته‌های مسمط می‌آورد و تعداد رشته‌ها، تابع تعداد بیت‌های غزل است.

۱- این مسمط، تضمین غزل معروف خیالی بخارایی (شاعر قرن نهم ه. ق.) است.

مثنوی

دریای زجوش نانشسته
چون او همه، واقعه رسیده
رفتی به طواف کوی آن ماه
با هیچ سخن نداشت میلی
نشودی و پاسخش ندادی
با باد صبا خطاب کردی
در دامن زلف لیلی آویز
برخاک ره اوفتاده‌ی توست
با خاک زمین غم تو گوید
پروانه‌ی خویش را مرنجان
هم مرهم و هم جراح است دل
از وی قدری به من رسانی
«نظامی»

مجنون غریب دل شکسته
یاری دو سه داشت دل رمیده
با آن دو سه یار هر سحرگاه
بیرون ز حساب نام لیلی
هر کس که جز این سخن گشادی
وانگه مژه را پر آب کردی
کای باد صبا به صبح برخیز
گو آن که به باد داده‌ی توست
از باد صبادم تو جوید
ای شمع نهان خانه‌ی جان
ای درد و غم تو راحت دل
قند است لب تو، گرتوانی

شعری که خواندید، از داستان لیلی و مجنون نظامی انتخاب شده است. به پایان بیت‌ها بنگرید؛ آیا قافیه‌ی آن‌ها یک‌سان است؟ بیت‌ها قافیه‌های مستقل دارند اما هر بیت مُصرَع است؛ یعنی، دو قافیه‌ی یک‌سان دارد. شعرهای این گونه را «مثنوی» می‌نامیم. **مثنوی مناسب‌ترین قالب برای بیان داستان‌ها و مطالب طولانی است؛** زیرا قافیه‌ی هر بیت مستقل است و شاعر می‌تواند پس از چند بیت، از قافیه‌ی قبلی نیز استفاده کند. مثنوی از قدیم‌ترین قالب‌های شعر فارسی و خاص‌تر زبان فارسی است و در همه‌ی ادوار از آن استفاده می‌شده است. «کلیله و دمنه‌ی منظوم رودکی» و «آفرین نامه»ی ابوشکور بلخی از اولین مثنوی‌های شعر فارسی دری است.

درون مایه‌ی مثنوی

مثنوی‌های زبان فارسی از نظر محتوا متفاوت‌اند؛ از این رو آن‌ها را به چهار دسته



اثر محمدباقر آقامیری

تقسیم کرده اند :

- ۱ - حماسی و تاریخی، مانند : شاهنامه‌ی فردوسی و اسکندرنامه‌ی نظامی گنجه‌ای.
- ۲ - اخلاقی و تعلیمی، مانند : بوستان سعدی.
- ۳ - عاشقانه و بزمی، مانند : خسرو و شیرین نظامی و ویس و رامین فخرالدین اسعد.
- ۴ - عارفانه، مانند : مثنوی مولوی، حدیقه الحقیقه‌ی سنایی و منطق الطیر عطار.

مثنوی: شعری است با بیت‌های مُصَرَّع که هر بیت قافیه‌ای مستقل دارد، خاصّ ایرانیان و فارسی‌زبانان است و از آغاز شعر فارسی تا حال مورد توجه بوده است. درون مایه‌ی مثنوی، حماسی، اخلاقی، عاشقانه و عارفانه است و قالب آن، مناسب‌ترین قالب برای بیان مطالب طولانی است. فردوسی، سعدی، نظامی، عطار، مولوی و... از مثنوی سرایان بنام‌اند.

خودآزمایی

- ۱ - «رشته» در ترجیع‌بند چه تفاوتی با رشته در قالب مسمط دارد؟
- ۲ - پدیدآورنده‌ی قالب مسمط کیست؟
- ۳ - قالب مسمط تضمینی را توضیح دهید.
- ۴ - کدام قالب برای بیان داستان‌ها و مطالب طولانی مناسب‌تر است چرا؟
- ۵ - انواع مثنوی از دید محتوا را بنویسید.
- ۶ - شعر «با تو یاد هیچ کس نبود روا» و «مرغ گرفتار» از ادبیات سال اول را از دید قالب و محتوا با هم مقایسه کنید.



نیشابور، آرامگاه خیتام

رباعی

تا بر گل و سبزه تکیه جایی بزنیم
آخر کم از آن که دست و پای بزنیم
«عطار»

وقت است که در بر آشنایی بزنیم
زان پیش که دست و پا فروبندد مرگ

* * *

یا این ره دور را رسیدن بودی
چون سبزه امید بر دمیدن بودی
«خیّام»

ای کاش که جای آرمیدن بودی
کاش از پس صد هزار سال از دل خاک

* * *

زین تجربه دیده‌ای، خرد پروردی
بر دامن همت ننشیند گردی
«بابا افضل کاشانی»

مردی باید، بلند همت مردی
کاو را به تصرف اندر این عالم خاک

هر یک از شعرهایی که خواندید، «رباعی» است؛ زیرا تعداد مصراع‌های هر یک از آن‌ها همواره چهارتاست.

به رباعی اول دقت کنید؛ قافیه‌ی آن چگونه است؟ مصراع اول، دوم و چهارم رباعی هم قافیه‌اند و مصراع سوم، در شعر برخی از دوره‌ها بی‌قافیه است. رباعی در زبان فارسی به وزن‌های مختلفی سروده شده است. پیام اصلی شاعر، معمولاً در مصراع آخر رباعی می‌آید و سه مصراع دیگر مقدمه‌ی سخن شاعر است.

رباعی قالبی ایرانی است و از زمان رودکی تا حال در شعر فارسی رواج داشته است. درون مایه‌ی این نوع شعر بیش‌تر **عشق**، **عرفان** و **فلسفه** بوده است.

خیّام، شاعر قرن پنجم، بهترین رباعی سرای شعر فارسی است و پس از او می‌توان از عطار، مولوی و بابا افضل کاشانی نام برد.

رباعی از مناسب‌ترین قالب‌ها برای **ثبت لحظه‌های زودگذر شاعرانه** است.^۱

۱ - «نُزْهُةُ الْمَجَالِسِ» تألیف جمال خلیل شروانی که به کوشش دکتر محمد امین رباحی چاپ شده، گنجینه‌ی ارزشمندی است که حدود چهار هزار رباعی را دربر می‌گیرد. دانش‌آموزان برای آشنایی بیش‌تر با «رباعی» می‌توانند به این کتاب مراجعه کنند.

رباعی: شعری چهار مصراع‌ی است که مصراع سوم آن معمولاً قافیه ندارد. درون مایه‌ی رباعی بیش‌تر عارفانه، عاشقانه یا فلسفی است. این نوع شعر مناسب‌ترین قالب برای ثبت لحظه‌های کوتاه شاعرانه است و در همه‌ی دوره‌ها رواج داشته است. رباعی قالبی خاص زبان فارسی است و خیّام، عطار، مولوی و بابا افضل سراینده‌گان نامدار رباعی‌اند.

دوبیتی

به دریا بنگرم دریا ته وینم	به صحرا بنگرم، صحرا ته وینم
نشان از قامت رعنا ته وینم	به هر جا بنگرم کوه و در و دشت
*	*
که سر پیوسته در پای ته دیرند	خوشا آنون که سودای ته دیرند
که اندر دل تمنّای ته دیرند	به دل دیرم تمنّای کسانِی
*	*
هوای دیگری اندر سرم نیست	ته دوری از برم دل در برم نیست
تمنّای دگر جز دلبرم نیست	به جان دلبرم کز هر دو عالم
«بابا طاهر»	

به هر یک از شعرهایی که خواندید، «دوبیتی» می‌گویند؛ زیرا همیشه شامل دو بیت است. قافیه‌ی دوبیتی چگونه است؟ آیا با رباعی تفاوت دارد؟ قافیه‌ی دوبیتی در پایان مصراع اول، دوم و چهارم می‌آید؛ یعنی، همانند رباعی است و از نظر قافیه با آن فرقی ندارد. دوبیتی اول این درس را از نظر وزن با رباعی اول درس پیشین مقایسه کنید. چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟ اگر با دقت به یک رباعی و یک دوبیتی گوش دهیم، درمی‌یابیم که «وزن»

آن‌ها با هم تفاوت دارد و تنها راه شناخت دوبیتی از رباعی نیز توجه به وزن آن‌ها است. توجه: اگر نتوانستید از طریق وزن که گوش شما آن را احساس می‌کند دوبیتی را از رباعی باز شناسید، بدانید که دوبیتی با یک «هجای کوتاه» و رباعی با یک «هجای بلند» آغاز می‌شود. مقصود این است که اگر کلمه‌ی اول هر دوبیتی را بخش کنید، بخش اول آن کلمه، یک صامت با یک مصوّت کوتاه خواهد بود. برای نمونه، مصرع «خوشا آنون که سودای ته دِرنند» را در نظر بگیرید. واژه‌ی اول این مصرع «خوشا» است. خوشا را بخش کنید؛ «خُ» و «شا» دو بخش یا دو هجای این واژه‌اند. بخش اول «خُ» است که یک صامت (خ) + یک مصوّت کوتاه (اُ) است.

دوبیتی را در فارسی «ترانه» هم می‌گویند.

درون مایه‌ی دوبیتی **عاشقانه** و **عارفانه** است. گوینده‌ی بسیاری از دوبیتی‌ها نامعلوم است. باباطاهر همدانی، شاعر عارف قرن پنجم و فایز دشتستانی، شاعر عهد قاجار، مشهورترین دوبیتی‌سرایان‌اند.

دوبیتی رایج‌ترین قالب شعری در نزد روستاییان با ذوق و خوش لهجه است. برای آشنایی بیشتر، چند دوبیتی از فایز دشتستانی را با هم می‌خوانیم.

تو از من بی‌خبر من از تو بی‌تاب	نمی‌آیی مرا یک شب تو در خواب
یقین، حال دل فایز ندانی	لب من تشنه و لعل تو سیراب

* * *

اگر صد تیر ناز از دلبر آید	مکن باور که آه از دل برآید
پس از صدسال بعد از مرگ فایز	هنوز آواز دلبر دلبر آید

* * *

دل‌م را جز تو کس دلبر نباشد	به جز شور توأم در سر نباشد
دل فایز تو عمداً می‌کُنی تنگ	که تا جای کس دیگر نباشد

دوبیتی: شعری است مشتمل بر دوبیت که گاه مصراع سوّم آن قافیه ندارد. بیش‌تر درون‌مایه‌ای عاشقانه و عارفانه دارد و رایج‌ترین قالب در میان روستاییان است. باباطاهر و فایز معروف‌ترین شاعران دوبیتی‌گو هستند. دوبیتی وزنی خاص دارد و از این نظر با رباعی متفاوت است.



چهارپاره

به نرمی بر سر کارون همی رفت
ز دامان افق بیرون همی رفت

*

شکوه دیگر و راز دگر داشت
تو پنداری که پاورچین گذر داشت

*

بلم آرام چون قویی، سبکبار
به نخلستان ساحل، قرص خورشید

شفق بازی کنان در جنبش باد
به دشت پرشقایق، باد سرمست

جوان پارو زنان بر سینه‌ی موج
صدا سرداده مسکین در ره باد
بلم می‌راند و جانش در بلم بود
گرفتار دل و بیمار غم بود...
«فریدون توللی»

به شعری که خواندید، دقت کنید؛ این شعر شامل دوبیتی‌هایی است با قافیه‌های متفاوت که از نظر معنی با هم ارتباط دارند. به این نوع شعر **چهارپاره** گویند. در رایج‌ترین شکل چهارپاره فقط مصراع‌های زوج هم قافیه‌اند. البته قافیه به صورت‌های دیگری هم در این نوع شعر به کار رفته است. چهارپاره در وزن آزاد است. این قالب پس از مشروطیت در ایران رواج یافت و تلاشی بود در جهت ایجاد یک قالب نو که درون مایه‌ی تازه‌ای داشته باشد. درون مایه‌ی چهارپاره بیش‌تر **اجتماعی و غنایی** است. فریدون توللی، پرویز خانلری و فریدون مشیری از چهارپاره سرایان بنام‌اند.

چهارپاره : شعری است شامل چند دوبیتی با قافیه‌های مختلف که از نظر معنی با هم ارتباط دارند. در چهارپاره معمولاً مصراع‌های زوج هم قافیه‌اند. این نوع شعر در روزگار معاصر پدیدآمده و به وزن‌هایی غیر از وزن دوبیتی نیز سروده شده است. توللی، خانلری و مشیری از سرایندهگان چهارپاره‌اند.

خودآزمایی

- ۱- قالب رباعی چه خصوصیتی دارد؟
- ۲- چگونه تشخیص قالب رباعی از دوبیتی را بنویسید.
- ۳- چهارپاره چگونه قالبی است؟
- ۴- قالب چهارپاره از چه هنگام و با چه هدفی رواج یافت؟
- ۵- چهارپاره از نظر محتوا معمولاً چه تفاوتی با دوبیتی و رباعی دارد؟
- ۶- شعر «در امواج سند» ادبیات سال اول را از دید قالب و محتوا بررسی کنید.

مُسْتَزَاد

پادشاست	هر که گدای در مُشکوی ^۱ توست
چون گداست	شَه که به همسایگی کوی توست
یا بهشت	باغ جهان موسم اردیبهشت
بی صفاست	گر نه ثناخوان گل روی توست
یا شنفت	نرگس گلزار جنان هر که گفت
بی حیاست	این که چو چشمان بی آهوی توست
خاسته	سرو شنیدم که قد آراسته
بَد اداست	مدعی قامت دلجوی توست
درد من	رحم کن ای دیده رخ زرد من
بی دواست	گر نه امیدیش به داروی توست

«مهدی اخوان ثالث»

به شعری که خواندید، دقت کنید. همان طور که می بینید، در پایان هر مصراع آن کلمه یا کلماتی افزوده شده است. این نوع شعر را به سبب همین بخش های اضافی، «مستزاد» گویند. کلمه یا کلمه های اضافه شده معنی مصراع را کامل می کنند. این افزوده ها همه وزنی یکسان دارند و با مصراع قبل از خود نیز هم وزن اند. با افزودن واژه یا واژه هایی به پایان مصراع های قطعه، رباعی و غزل می توان مستزاد سرود. **قدیمی ترین مستزاد در دیوان مسعود سعد آمده است.**

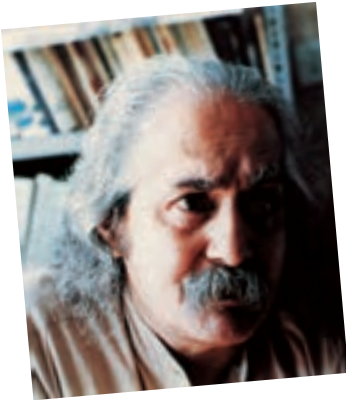
۱ - مُشکوی: قصر، کاخ

ای کامگار سلطان، انصاف تو به کیهان
 مسعود شهریاری، خورشید نامداری
 ای اوج چرخ جایت، گیتی زروی و رایت
 گشته عیان
 اندر جهان
 چون بوستان

مستزاد زیبایی منسوب به مولوی به دست ما رسیده و در عصر مشروطه نیز این قالب در شعر نسیم شمال، بهار و ادیب الممالک فراهانی رواجی خاص داشته است. درون مایه‌ی مستزاد می‌تواند مدح، عشق، عرفان، مسائل اجتماعی و میهنی باشد. اهمیت مستزاد از آن روست که احتمالاً از منابع الهام نیما در کوتاه و بلند کردن مصراع‌های شعر نو بوده است؛ زیرا این قالب، تنها قالب شعر سنتی است که مصراع‌های آن با هم مساوی نیستند.

مستزاد: شعری است که به آخر هر مصراع آن کلمه یا کلماتی افزوده شود. افزوده‌ها معنی مصراع قبل یا بعد خود را تکمیل می‌کنند. قدیمی‌ترین مستزادها از قرن پنجم هـ. ق. پدید آمده‌اند و این نوع شعر در دوره‌های بعد کم و بیش مورد توجه شاعران بوده است. اهمیت مستزاد از آن روست که در پیدایش شعر نیمایی اثر داشته است.

شعر نیمایی



سلامت را نمی خواهند پاسخ گفت
سرها در گریبان است
کسی سر بر نیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را
نگه جز پیش پا را دید، نتواند
که ره تاریک و لغزان است
وگر دست محبت سوی کس یازی
به اکراه آورد دست از بغل بیرون
که سرما سخت سوزان است
نفس کز گرمگاه سینه می آید برون، ابری شود تاریک
چو دیوار ایستد در پیش چشمانت
نفس کاین است، پس دیگر چه داری چشم
ز چشم دوستان دور یا نزدیک؟ ...
مسیحای جوان مرد من! ای ترسای پیر پیرهن چرکین
هوا بس ناجوان مردانه سرد است... آی
دمت گرم و سرت خوش باد
سلامم را تو پاسخ گوی، در بگشای ...

«مهدی اخوان ثالث»

به مصراع اول تا سوم شعری که خواندید، دقت کنید؛ آیا مصراع‌ها از نظر طول مساوی‌اند؟ چنان که می‌بینید، این شعر برخلاف شعرهایی که پیش از این با آن‌ها آشنا شده‌اید، از مصراع‌هایی هم اندازه پدید نیامده است. مقصود از مصراع‌های هم اندازه، مصراع‌هایی است که شمار هجاها در آن‌ها یک‌سان است. قالب‌هایی را که پیش از این با آن‌ها آشنا شده‌اید «شعر سنتی» می‌خوانند و شعری که نمونه‌ای از آن در آغاز درس آمده «شعر نیمایی» است.

بار دیگر مصراع اول تا سوم را بخوانید. آیا قافیه‌ای در پایان آن‌ها آمده است؟ قافیه در شعر نیمایی برخلاف شعر سنتی الزامی نیست؛ بنابراین، شاعر هر جا که بیان خود را نیازمند واژه‌های هم قافیه می‌بیند، از آن استفاده می‌کند. برای نمونه، در شعری که خواندید به پایان مصراع‌های دوم، پنجم و هشتم دقت کنید. واژه‌های «گریبان، لغزان و سوزان» کلمات قافیه‌اند و ظهور آن‌ها در شعر کاملاً طبیعی و به دور از تصنع است. در این شعر، ردیف نیز حالتی همانند قافیه دارد؛ یعنی، هر جا شاعر احساس کند که بدان نیاز دارد، در پی قافیه از آن استفاده می‌کند؛ مانند واژه‌ی «است» بعد از کلمات گریبان، لغزان و سوزان. شعر نیمایی مانند شعر سنتی موزون است؛ یعنی، وزن و آهنگ آن با گوش احساس می‌شود اما در این نوع شعر به سبب آن که مصراع‌ها از نظر امتداد برابر نیستند و وجود قافیه نیز الزامی نیست، دریافت و احساس وزن به دقت بیش‌تری نیاز دارد.

مضمون شعر نیمایی مبتنی بر تجربه‌ی شخصی شاعر است؛ یعنی، شاعر حق دارد از هر اندیشه‌ای - اعم از غنایی، فلسفی، اجتماعی، سیاسی و... - سخن بگوید؛ به شرط آن که سخن برخاسته از احساس وی باشد. عمده‌ترین درون مایه‌های شعر نیمایی **عشق، سیاست و اجتماع** است.

مبتکر و پدیدآورنده‌ی شعر نیمایی، علی‌اسفندیاری مشهور به «نیمایوشیج» است که با انتشار شعر «افسانه» در سال ۱۳۰۱ ه. ش. اولین گام جدی را در این راه برداشت. شعر نیمایی با وجود مخالفت‌ها، توانست در زبان فارسی جای خویش را باز کند و اکنون پس از هفتاد سال، در کنار شعر هزارساله‌ی سنتی دارای نمونه‌هایی پایدار و ماندگار است. نیمایوشیج، مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد و سهراب سپهری از برگزیدگان شعر نیمایی‌اند.

نمونه‌هایی از شعر نیما و پیروان او



از نیما یوشیج

می تراود مهتاب
می درخشد شب تاب
نیست یک دم شکند خواب به چشم کس ولیک
غم این خفته ی چند
خواب در چشم ترم می شکند.
نگران با من استاده سحر
صبح می خواهد از من
کز مبارک دم او آورم این قوم به جان باخته را بلکه خبر
در جگر، لیکن خاری
از ره این سفرم می شکند.

از فروغ فرخزاد

آن روزها رفتند
آن روزهای خوب
آن روزهای سالم سرشار
آن آسمان‌های پر از پولک
آن شاخساران پر از گیلان
آن خانه‌های تکیه داده در حفاظ سبز پیچک‌ها به یک‌دیگر
آن بام‌های بادبادک‌های بازیگوش
آن کوچه‌های گیج از عطر اقاقی‌ها

از سهراب سپهری

آب را گل نکنیم
در فرودست انگار، کفتری می خورد آب
یا که در بیشه‌ی دور، سیره‌ای پَر می شوید
یا در آبادی، کوزه‌ای پُر می گردد
آب را گل نکنیم
شاید این آب روان می رود پای سپیداری، تا فرو شوید اندوه دلی.

شعر نیمایی: شعری است با مصراع‌های کوتاه و بلند که در آن قافیه الزامی نیست. درون مایه‌ی شعر نیمایی احساسات و تجربه‌های فردی، عشق، سیاست و... است.
بنیان‌گذار این گونه شعر، نیمایوشیج است. مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد و سهراب سپهری از برگزیدگان شعر نیمایی اند.

خودآزمایی

- ۱- قالب مستزاد چگونه پدید می‌آید؟
- ۲- اهمیت قالب مستزاد در چیست، چرا؟
- ۳- وزن و قافیه در شعر سنتی و نیمایی چه جایگاهی دارد؟
- ۴- در مورد مضمون شعر نیمایی توضیح دهید.
- ۵- شعر «همای رحمت» و «بشت دریاها» از ادبیات سال دوم را از نظر قالب و درونمایه با هم مقایسه کنید.